

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۱۴ دسمبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

هادیه، معلم افغانستان



معلم خوب بیشتر از آنچه پیش تخته می‌گوید، با رفتاراش درس می‌دهد. جوهر معلمان خوب هنگام سختی بیشتر می‌درخشد. زمانی که جامعه دچار بحران می‌شود، معلمان خوب بیدار می‌مانند، حواس خود را جمع می‌گیرند و پیشگامی خود را حفظ می‌کنند.

هادیه معلم لیسه حبیبیه است. احتمالاً زمانی که خانواده‌اش دچار مصیقه شده، هادیه خانم به جای آن‌که بنشیند و چرت بزند، ایستاده و به خانواده‌اش گفته است تشویش نکنید، من هستم! به فرزندانش گفته است بچه‌ها شما مادر دارید، رأی نزنید!

شاید یکی از فرزندان پرسیده است، مادر شما معلمید و حالا که معاش معلمی بند شده، چه کار می‌توانید؟ هادیه خانم بیدار گفته است، بلی من معلم ولی تنها معلم پشت میز و پیش تخته نیستم. من معلم مدیریت خانه و اداره امور خانواده نیز می‌باشم. دیگر این که من بسیار هنر دارم. مثلاً سال‌ها موجی خانه پدرم بودم و بوت مردان خانواده را رنگ می‌کردم، وقتی ازدواج کردم تنها عروس و مادر و معلم نماندم، بلکه پیش آن که به کار معلمی برگردم و رخصتی عروسی‌ام تمام شود، اول به شغل موجی‌گری‌ام برگشتم و بوت‌های پدرتان را رنگ کردم. من موجی بسیار ماهرم. خیاطم، دوخت‌ودوز یخ‌ن پاره پدرتان و خشتک‌های پاره شما انگشتانم را در دوختن بسیار ماهر ساخته است. شاید چند برابر تباشیر سوزن مصرف کرده باشم!

یکی از اولادهايش شايد به هاديه خانم گفته است، مادر نشستن در سرک و موجی‌گری به شما نمی‌زیبد! هادیه جواب داده است: جان مادر به من تنبلی، مُفت‌خوری، و تماشای گرسنگی خانواده‌ام نمی‌زیبد. اما کار کردن و نان آوردن بسیار می‌زیبد.

یکی گفته است: مادر مریض نشوی، خنک نخوری! معلم هادیه گفته است: نی چرا مریض شوم. من معلم و در موجی‌گری هم الگو خواهم بود. دستکش‌های بلند می‌پوشم تا دستانم پاک باشند و خنک هم نخورند، زیر پام چندتا کهنه و یک پتو می‌گذارم تا راحت و گرم باشم، عینک می‌پوشم، لباس گرم می‌پوشم و در یک‌جای آفتاب‌رخ و مناسب نشسته بوت‌های مردم را چنان خوب رنگ می‌کنم که لذت ببرند. یکی گفته است، اما این راه حل نیست، تو اگر موجی‌گری کنی معلمان دیگر چه کنند؟

هادیه گفته است، نشستن و ناله کردن هم راه حل نیست. هرکس در حد خود باید در روزهای سختی بیداری‌اش را حفظ کند و دست از ابتکار و تلاش بر ندارد. کسی که پای گریز دارد، از معرکه دور شود. آن‌که هنر مبارزه دارد، ایستاد شده علیه بربادی برزمد. کسی که تشبث و کار بلد است، وارد بازار شود. هرکس به قدر توان و در حد مهارتش پارچه‌های جامعه از هم‌پاشیده‌اش را بردارد. من همین‌قدر می‌توانم تا شما را مدتی سیر نگه دارم. خانواده هادیه در آن روزهای سخت، احساس غرور کرده‌اند. از داشتن مادر، همسر و خواهری چون او به‌خود بالیده‌اند. حالا که مکاتب دختران بسته شده و معاش معلمان پرداخت نمی‌شود، هادیه، موجی سابق خانه پدر و شوهر هر شام چند تا نان خشک، یگان وقت مقداری سبزی و گاهی حتی روغن و بوره به خانه می‌برد. خانواده‌اش به او باید افتخار کنند. حتی ما از داشتن هم‌وطنی چون او باید نیرو بگیریم. چه معلم خوبی است این معلم موجی هادیه افغانستان!